

## ترسیم فضایل امام علی (ع) در اشعار ابن ابی الحدید و محمد حسین شهریار

افشار قاسم آبادی؛ گروه زبان و ادبیات عرب، واحد آزاد اسلامی کرمانشاه  
جمشید باقرزاده (نویسنده مسول)؛ گروه زبان و ادبیات عرب، واحد آزاد اسلامی کرمانشاه  
(Jamshid.bagherzadeh@yahoo.com)

### چکیده

شخصیت بزرگ و برجسته علی (ع) به گونه ای است که همه را مجذوب خویش ساخته است و در طی تاریخ، همواره بزرگان بسیاری پیرامون شخصیت وی قلم فرسایی کرده اند. ابن ابی الحدید و محمد حسین شهریار، دوتن از شعرای بزرگ شعر و ادب عربی و فارسی هستند که شخصیت والای علی (ع) آنان را بر آن داشته تا پیرامون آن حضرت، ابیاتی نغز و زیبا بسرایند. این دو شاعر، شعر خویش را به عنوان ابزاری برای ستایش عاشقانه و خالصانه اهل بیت (ع) به ویژه امام علی (ع) به کار گرفته اند. آنها در اشعارشان تصویری بسیار درخور از شخصیت حضرت علی (ع) ترسیم می کنند، هر چند قلم بشر را توان آن نیست که تمام زوایای شخصیت آن گوهر هستی را به تصویر بکشد. یافته های این پژوهش توصیفی - تحلیلی بیانگر این است که مضمون های اصلی فضایل امام علی (ع) در اشعار این دو شاعر عبارتند از: ولایت و امامت، شجاعت و دلاوری امام علی (ع) در جنگهای صدر اسلام، فضیلت ها و منقبت های اخلاقی و معنوی امام علی (ع).

واژگان کلیدی: امام علی (ع)، ابن ابی الحدید، محمد حسین شهریار، ادبیات تطبیقی.

### مقدمه

آنگاه که اندیشه آدمی بال می گشاید و برگ زرین تاریخ بشری را ورق می زند، با چهره هایی درخشان آشنا می شود که حقیقت عدالت و انسانیت را نیک شناختند و بر سر آن جان فشاندند. آنان مشعلهای فروزان حیات انسانی اند که بر تاریکی ستم و بی خردی چیره شدند. حضرت علی (ع) یکی از این دلاوران و برجستگان تاریخ بشری است. شخصیت عظیم ایشان والاتر از آن است که بتوان به بررسی همه جوانب آن پرداخت. بلندی مقام و بزرگی این انسان بی نظیر به حدی است که علی رغم تحقیق و تتبع فراوان نویسندگان عرب و عجم هنوز گوشه هایی ناگفته از زندگی و خلافت این مظهر عجایب وجود دارد که شایسته گفتن و نوشتن است. بحث درباره چنین مرد نامتناهی که دریای بیکران علم و معرفت است، کاری است سهل و ممتنع؛ زیرا از طرفی در عالم اسلام و تشیع کیست که علی (ع) را نشناسد، و از طرفی کیست که علی (ع) را آنگونه که هست شناخته و به کنه شخصیت و علو صفات وی پی برده باشد؟ علی (ع) از لحاظ عقیده، ایمان، خلوص، پاکی، تقوا، پرهیزگاری، علم و دانش، سماحت و بخشش، شجاعت و توانایی روحی و جسمی، عدالت و دادگری، عشق و علاقه به معنویت و سایر ارزشهای انسانی در درجه اول قرار گرفته است که با مقیاسهای عادی نمی توان او را شناخت و به شخصیت و فضایل اخلاقی و سجایای او دست یافت. در واقع علی (ع) شخصیتی بزرگ و بی بدیل است که در طول تاریخ همواره مورد مدح و ستایش بزرگان قرار گرفته و حتی کسانی که به امامت علی (ع) باور ندارند نیز، او را در نوع خود یگانه و بی نظیر می دانند. به عنوان نمونه، مادام دیالافوا -گردشگر فرانسوی- می گوید: «احترام علی (ع) در نزد شیعه به منتهای درجه است، و حقاً هم باید این طور باشد؛ زیرا این مرد بزرگ علاوه بر جنگها و فداکاریها که برای پیشرفت اسلام کرد، در دانش، فضایل، عدالت و صفات نیک بی نظیر بود، و نسلی پاک و مقدس هم از خود باقی گذارد. فرزندان

نیز از او پیروی کردند، و برای پیشرفت مذهب اسلام مظلومانه تن به شهادت دادند. امیرالمومنین علی (ع) کسی است که همه بتهایی را که اعراب، شریک خدای یگانه می پنداشتند، شکست. و وحدت و یگانه پرستی را تبلیغ کرد. علی کسی است که تمام اعمال و رفتارش نسبت به مسلمانان منصفانه بود. علی کسی است که تهدید و نویدش قطعی بود.» (به نقل از اسد علیزاده؛ ۱۳۸۱: ۱۰۰)

شعر از جمله ابزار و وسایلی است که به بهترین و مطمئن ترین شکل می تواند در اثبات یک واقعیت یا قضیه تاریخی مورد استناد قرار بگیرد. دنیای شعر و شاعری به دور از تعصبات قومی، مذهبی و ملی میتواند منعکس کننده واقعیات عصری باشد که شاعر در آن می زیسته است. با توجه به اینکه بسیاری از فضائل امام علی (ع) در شعر آمده، می توان یکی از بهترین راهها برای اثبات حقایق و فضائل آن حضرت بررسی اشعار شاعران باشد. در این پژوهش، اشعار ابن ابی الحدید و محمد حسین شهریار که به فضایل امام علی (ع) پرداخته، جمع آوری و مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و حقایق و امامت، و دیگر فضایل ایشان از طریق اشعار این دو شاعر اثبات شده است.

### ۱. گذری کوتاه بر زندگی نامه ابن ابی الحدید

عزالدين ابوحماد عبدالحميد بن هبة الله بن محمد بن محمد بن محمد بن حسين بن ابی الحدید مدائنی، در اول ذی الحجه ۵۸۶ قدر مدائندیده به جهان گشود و در همان شهر پرورش یافت. به مناسبت نزدیکی با ابن علقمی، وزیر شیعه مستعصم عباسی، در شمار کاتبان دیوان دارالخلافة درآمد. (ابن کثیر؛ ۱۹۶۶: ۱۳/۱۹۹)

وی ابتدا کتابت دارالتشریفات را برعهده داشت. در سال ۶۲۹ ق به کتابت خزانه منصوب شد و مدتی بعد کاتب دیوان گردید. در صفر ۶۴۲ قبه عنوان ناظر حلتهتیین شد. پس از آن ناظر بیمارستان عضدی و سرانجام ناظر کتابخانه‌های بغداد شد. (الصفدی؛ ۱۹۷۴: ۱۸/۶۷)

ابن ابی الحدید روابط بسیار نزدیکی با ابن علقمی داشت و او و برادرش از حمایت وزیر برخوردار بودند. از این رو، شرح نهج البلاغه قصاید السبع را به نام وزیر آراست و هدیه‌هایی ارزشمند دریافت کرد. در سال ۶۴۲ قدر نخستین یورش‌های مغول به بغداد که سپاه عباسی به فرماندهی شرف الدین اقبال شرایبسیه سالار مستعصم بالله سپاه مغول را شکست داد، ابن ابی الحدید پیروزی سپاه بغداد را نتیجه تدبیر ابن علقمی دانست و قصیده‌ای در تهنیت و ستایش وی سرود. در واقعه حمله هلاکو خان به بغداد در سال ۶۵۵ ق ابن ابی الحدید به دست مغولان گرفتار شد و محکوم به قتل گشت، ولی به وساطت ابن علقمیو خواجه نصیرالدین طوسیاز مرگ نجات یافت. (ابن خلکان؛ ۱۹۸۶: ۵/۳۹۱)

ابن ابی الحدید اندکی پس از سقوط بغداد به دست مغولان در بغداد از دنیا رفت. تاریخ وفات او مورد اختلاف مورخان است و در برخی منابع سال ۶۵۵ قو در برخی دیگر سال ۶۵۶ ق ذکر کرده‌اند. (همان)

درباره مذهب ابن ابی الحدید باید گفت که وی در اصول، معتزلی و در فروع، شافعیبود و گفته شده است که مشربی میان تسننو تشیعبرگزیده بود. در مباحث عقیدتی خود در شرح نهج البلاغه به موافقت با جاحظتصریح دارد؛ به همین لحاظ او را معتزلی جاحظی شمرده‌اند. بررسی شرح نهج البلاغه او نشان می‌دهد که برخلاف نظر ابن کثیر که وی را شیعی غالبشمرده است، می‌توان او را معتزلی معتدلی دانست. (کتابی؛ ۱۹۷۴: ۲/۲۵۹)

ابن ابی الحدید به پیروی از مکتب معتزله بغداد، علی (ع) را برتر از خلفای سه‌گانه می‌داند و تصریح می‌کند که او، هم در کثرت ثواب و هم در فضل و خصال حمیده، از دیگران افضل است. (همان)

از مهمترین آثار ابن ابی الحدید می‌توان به: شرح نهج البلاغه، الفلک الدائر علی المثل السائر، السبع العلویات یا قصائد السبع العلویات، و دیوان شعر اشاره کرد.

### ۲. گذری کوتاه بر زندگی نامه محمد حسین شهریار

استاد شهریار فرزند آقا سید اسماعیل موسوی معروف به حاج آقا خشکنابی در شهریور ماه سال ۱۲۸۶ هجری

شمسی در روستای خشکتاب در بخش قره چمن آذربایجان در بازارچه میرزا نصراله تبریزی واقع در چای کنار دیده به جهان گشود. (زاهدی؛ ۱۳۳۷ : ۵)

سید محمد حسین بهجت تبریزی، متخلص به شهریار، در خانواده ای فرهیخته و اهل دانش پرورش یافت. روزهای کودکی او با انقلاب مشروطیت و بحران های اجتماعی و سیاسی در تبریز هم زمان بود. به همین سبب، پدر که از مبارزان فعال مشروطه خواه به شمار می آمد، در آن اوضاع نابسامان، خانواده را به زادگاه اجدادی یعنی روستای خشکتاب منتقل نمود. (امینی؛ ۱۳۸۴ : ۱۶)

در سال ۱۳۳۱ هجری قمری، پدرش او را برای ادامه تحصیل به تبریز باز آورد و او را در نزد پدر شروع به فراگیری مقدمات ادبیات عرب نموده و در سال ۱۳۳۲ جهت تحصیل اصول جدید به مدرسه متحده وارد گردید و در همین سال اولین شعر رسمی خود را سرود و سپس به آموختن زبان فرانسه و علوم دینی نیز پرداخته و از فراگیری خوشنویسی نیز دریغ نمی کرد که بعدها کتاب قرآن، ثمره همین تجربه می باشد. (کاوایانپور؛ ۱۳۷۹ : ۹)

وی در کنار شناخت آیات قرآن، با دیوان حافظ آشنا شد و این آشنایی، آغاز پیوند عمیق روح او با مفاهیم آیات قرآن و کلام حافظ بود. در سیزده سالگی اشعار شهریار با تخلص بهجت در مجله ادب به چاپ می رسید. شهریار پس از تحصیل در مکتب خانه روستا و تکمیل آن در تبریز در سال ۱۳۰۰ به اصرار پدر برای اولین بار به تهران رفت و در مدرسه دارالفنون به تحصیلات متوسطه ادامه داد. (اسماعیلی؛ ۱۳۸۸ : ۲۵)

شهریار در تهران تخلص بهجت را نپسندید و تخلص شهریار را پس از دو رکعت نماز و تفلّ از حافظ می گیرد. شهریار از بدو ورود به شهر تهران با استاد ابوالحسن صبا آشنا شده و نواختن سه تار و موسیقی ایرانی را از او فرا می گیرد. او همزمان با تحصیل در دارالفنون به ادامه تحصیلات علوم دینی می پرداخت و در مسجد سپهسالار در حوزه سیدحسن مدرس حاضر می شد. سه سال بعد در سال ۱۳۰۳ وارد مدرسه طب شد، از این پس زندگی شورانگیز و پرفراز و نشیب او آغاز می شود. ولی به سبب پیشامدهایی، آخرین سال پزشکی را که با روحیه حساس او چندان هم سازگار نبود، نیمه تمام رها کرد. پس از آن، در کنار کار دولتی به شعر هم می پرداخت. (فتحی؛ ۱۳۷۶ : ۱۱)

شهریار نخستین دفتر شعر خود را در سال ۱۳۰۸ با مقدمه ی ملک الشعراء بهار، سعید نفیسی و پژمان بختیاری منتشر نمود. بسیاری از اشعار او فارسی و ترکی آذربایجانی جزء آثار ماندگار این زبان هاست. منظومه «حیدربابا سلام» که در سال ۱۳۳۳ سروده شده است، از مهم ترین آثار ادبی ترکی آذربایجانی شناخته می شود. (پیر محمدی؛ ۱۳۹۰ : ۴۵)

در سال ۱۳۵۷ شهریار با حرکت انقلاب هم صدا شد. در اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۳ تجلیل باشکوهی از استاد در تبریز به عمل آمد. شهریار به لحاظ اشتها در سرودن اشعار کم نظیر در مدح امیر مؤمنان (ع) و ائمه اطهار (ع) به شاعر اهل بیت شهرت یافته است. (علیزاده؛ ۱۳۸۰ : ۱۱۳)

پس از مدتی، سرانجام خورشید حیات شهریار ملک سخن و آفتاب زندگی ملک الشعراء بی بدیل ایران پس از هشتاد و سه سال تابش پر فروغ در کوهستان های آذربایجان غروب کرد. این مرد بزرگ در بیمارستان مهر تهران بدرود حیات گفت و بنا به وصیتش در زادگاه خود در مقبره الشعراء سرخاب تبریز با شرکت قاطبه ی ملت و احترام کم نظیر به خاک سپرده شد. (زاهدی؛ ۱۳۳۷ : ۹۴)

### ۳. ترسیم فضایل امام علی (ع) در اشعار ابن ابی الحدید

ابن ابی الحدید در این ابیات، به بی شمار بودن فضایل امام علی (ع) اشاره دارد:

و شاهدَ مرءاً جَلَّ عَنْ أَنْ يَحُدَّهُ  
مِنَ الْقَوْمِ نَظْمٌ فِي الصَّحَائِفِ مَكْتُوبٌ  
تَعَالَيْتَ عَنْ مَدْحِ فَأَبْلَغَ خَاطِبٍ  
بِمَدْحِكَ يَبِينُ النَّاسِ أَقْصَرَ قَاصِرٍ

(ابن ابی الحدید؛ ۱۳۸۵: ۱۷)

«مردی را دید که فراتر از آن است که نوشته های منظوم در کتب دیگران، بتواند برای او حد و مرزی قرار دهد. / (ای علی) تو فراتر از ستایشی، و زبان آورترین سخنور در میان مردم، در ستودن تو ناتوان ترین آنهاست.» همانطور که گفتیم، دو بیت فوق بر بی شمار بودن فضایل امام علی (ع) دلالت دارد. ابن ابی الحدید در این باره می گوید: «من درباره مردی که دشمنانش به فضیلتش اقرار نموده اند و نتوانستند مناقبش را انکار، و فضایلش را کتمان کنند، چه بگویم؟... و من چه بگویم درباره مردی که هر فضیلتی به او نسبت داده می شود و هر فرقه ای به او منتهی می گردد و هر طایفه ای او را به خود منسوب می کند؟ پس او رئیس همه فضائل و سرچشمه آن و اول متصف به آن و پیشرو و پیشی گیرنده در آنهاست، و هر کس که بعد از او فضیلتی یافت، از او آن را گرفت و پیرو آن شد و دنباله رو او بود.» (همان: ۱۶۱)

شاعر در ابیات ذیل، در مورد فضایل امام علی (ع) به مواردی چون؛ حادثه ردّ الشمس، و شجاعت ایشان در جنگ احزاب و فتح خیبر، و سپس به بی توجهی به روزگار و شفاعت ایشان در روز قیامت اشاره می کند:

يا مَنْ لَهُ رَدَّتْ ذُكَاؤُهُ وَ لَمْ يَفْرُ	بَنْظِيرِهَا مِنْ قَبْلِ الْإِيُوشَعِ
يا هَازِمَ الْأَحْزَابِ لَا يُثْنِيهِ عَنْ	خَوْضِ الْحِمَامِ مُدَجِّجٍ وَ مَدْرَعِ
يا قَالِعَ الْبَابِ الَّتِي عَنْ هَزَّهَا	عَجَزَتْ أَكْفُ أَرْبَعُونَ وَ أَرْبَعِ
لَوْ لَا حُدُوثُكَ قُلْتُ إِنَّكَ جَاعِلٌ	الْأَرْوَاحِ فِي الْأَشْبَاحِ وَ الْمُسْتَنْزِعِ
لَوْ لَا مَمَاتُكَ قُلْتُ إِنَّكَ بَاسِطٌ	الْأَرْزَاقِ تَقْدِرُ فِي الْعَطَاءِ وَ تُوسِعُ
مَا الْعَالَمِ الْعُلُويُّ إِلَّا تَرَبُّهُ	مِنْهَا لِجَنَّتِكَ الشَّرِيفَةُ مَضْجَعِ
ما الدَّهْرُ إِلَّا عَبْدُكَ الْقِنُّ الَّذِي	بُنْفُوذِ أُمْرِكَ فِي الْبَرِيَّةِ مُوَلِّعِ
و الله لَوَلا حَيْدَرٌ ما كَانَتْ	الذُّنُوبُ وَ لا جَمَعَ الْبَرِيَّةِ مَجْمَعِ
وَ إِلَيْهِ فِي يَوْمِ الْمَعَادِ حِسَابُنَا	وَ هُوَ الْمَلَأُ لَنَا عَدَاً وَ الْمَفْرَعِ

(همان: ۱۸)

«ای آنکه خورشید برای تو بازگردانده شد، و قبلاً به همانند این (معجزه) کسی جز «یوشع بن نون»- وصی و جانشین موسی کلیم الله علیهما السلام- نائل نشده است. / ای منهزم کننده گروهها و سپاهها که هیچ مبارز مسلح و جنگجوی زرهپوشی تو را از فرورفتن در ورطه های مرگبار جنگ باز نمی داشت و بر نمی گرداند. / ای برکننده دری که دستهای چهل و چهار تن یارای تکان دادن آن را نداشت. / اگر حدوث تو (که مثل سایر مخلوقات وقتی نبوده ای و بعد پدید آمده ای) نبود، می گفتم تویی که جانها را در قالبها قرار می دهی و گیرنده جان هم تویی. / اگر مردن تو نبود می گفتم تویی گسترده ی روزی ها که در بخشش روزی (بنا به مصلحت بر برخی) تنگ می گیری و (بر برخی) گشایش می دهی. / جهان بالا (در مقایسه با عظمت تو) جز مشت خاکی نیست که آرامگاه پیکر شریف تو از آن درست شده است. / روزگار غلام سرسپرده توست که با نهایت اشتیاق به اجرای فرمان تو در آفریدگان می کوشد. / به خدا سوگند اگر حیدر (امیر مؤمنان علی علیه السلام) وجود نداشت جهان نبود و هیچ عرصه ای آفریدگان را گرد نمی آورد (یعنی بوجود نمی آمدند و هستی نمی یافتند). / و روز رستاخیز حساب اعمال ما با اوست، و فردای قیامت دستگیر و پناهگاه اوست.»

شاعر در وصف دلاوریهای علی (ع) این چنین سخن گفته که مرگ در نظر ایشان، بی ارزش بوده و دشمنان از او بیم و هراس داشتند، و همه مردم شجاعت وی را بسیار ستوده اند:

□ □ أجدك هل تحيا بموتك إني	□ □ أرى الموت خطباً و هو عندك مخطوب
□ □ و دماء أعاديك المدام و غابة الرماح	□ □ ظلل و النصال أكاوب
□ □ تجللى لك الجبار في ملكوته	□ □ و للتحف تصعيد إليك و تصوب

و لِلشَّمْسِ عَيْنٌ عَنْ غَلَاكَ كَلِيلَةٌ □ □ □ □ □  
 وَلِلدَّهْرِ قَائِبٌ خَافِقٌ مِنَّا كَمَرٌ غُوبٌ □ □ □ □ □  
 فَعَايِنَ مَا لَوْلَا الْعِيَانُ وَ عِلْمُهُ □ □ □ □ □  
 كَمَا ارْتَابَ شُكًّا أَنَّهُ فَيْكَ مَكْذُوبٌ □ □ □ □ □

(همان: ۲۰)

□ به راستی ای مرد، آیا زندگی تو در مرگ است؟ و حال آنکه من مرگ را مصیبتی انگارم و تو مرگ را چون عروسی در آغوش می کشی. / خون دشمنانت شراب تو است و نیزه ها که چون بیشه ای سر به هم آورده اند، سایبان تو است و پیکانها سبوی تو. / خداوند جبار در ملکوت خود بر تو تجلی کرد و به پیروزی بشارت داد و تو در گرماگرم نبرد گاه قامت می افراشتی و گاه خم می شدی. / فرازمندی تو دیده خورشید را تیره کرده بود و قلب روزگار از هیبت تو به تپش در افتاده و از بیم می لرزید. / اگر آدمیان ندیده بودند و نمی دانستند و وصف دلاوریهایت را می شنیدند، تردید نمی کردند که آنچه درباره تو می گویند، دروغی بیش نیست.»  
 وی در جای دیگر در بیان فضائل علی (ع) به سروری ایشان در بین اعراب و ایرانیان و رومیان و مصریان اشاره کرده و مجد و عظمت و فضیلت بی پایان او را می ستاید:

خَنَانِيكَ فَازَ الْعَرَبُ مِنْكَ بِسُودِ  
 أَرَى لَكَ مَجْدًا لَيْسَ يُجَلِّبُ حَمْدَهُ  
 وَ فَضْلًا جَلِيلًا إِنْ وَّئِي فَضْلُ فَاضِلٍ  
 لِذَاتِكَ تَقْدِيسٌ لِرَمْسِكَ طُهْرَةٌ  
 تَقَاصَرَ عَنْهُ الْفُرسُ وَ الرُّومُ وَ النَّوْبُ  
 بِمَدْحٍ وَ كُلُّ الْحَمْدِ بِالْمَدْحِ مَجْلُوبُ  
 تَعَاقَبَ إِدْلَاجٌ عَلَيْهِ وَ تَأْوِيبُ  
 لَوْجِهَكَ تَعْظِيمٌ لِمَجْدِكَ تَرْحِيبُ  
 (همان : ۲۶)

□ رحمت باد بر تو ای علی، که عرب از تو به سروری رسید. آنچنان سروری که ایرانیان و رومیان و مردم نوبه (مصر) را دست یافتنی نبود. / مجد و عظمت تو خواستار آن نیست که کس برایت زبان سپاس و ستایش گشاید که تو از هر چه جز خداست بی نیازی و حال آنکه سپاس از دیگران مدح و ثنای آنان را در پی دارد. / فضیلت تو در اوج جلال است و هر چه شب از پی روز آید و روز از پی شب، نقصان نپذیرد و حال آنکه هر فضیلت دیگر با گذشت زمان دستخوش نقصان گردد. / بهسبب تقدس ذات تو بود که خاک مرقدت تقدس و پاکی یافت که بزرگت می دارند یا مجد و کرامت را می ستایند.»

همچنین ابن ابی الحدید در وصف علم و دانش علی (ع)، ایشان را همچون رازی سرپوشیده دانسته و فضایلش را برگرفته از نور قدسی می داند. وی علی (ع) را وارث پیامبر (ص) و برادر و خویشاوند او توصیف می کند و سپس اشاره می کند که به وسیله او اسلام استوار شد و دانش او بود که از اندیشه های گمراهان در امان ماند:

هُوَ النَّبِيُّ الْمَكْنُونُ وَ الْجَوْهَرُ الَّذِي  
 وَ ذُو الْمُعْجَزَاتِ الْوَاضِحَاتِ أَقْلَهَا  
 وَ وَارِثُ عِلْمِ الْمُصْطَفَى وَ شَقِيْقَهُ  
 أَلَا إِنَّمَا الْإِسْلَامُ لَوْلَا حُسَامُهُ  
 أَلَا إِنَّمَا التَّوْحِيدُ لَوْلَا عِلْمُهُ  
 أَلَا إِنَّمَا الْأَقْدَارُ طَوْعٌ يَمِينُهُ  
 تَجَسَّدَ مِنْ نُوْرٍ مِنَ الْقُدْسِ زَاهِرِ  
 الظُّهُورِ عَلَى مُسْتَوْدِعَاتِ السَّرَائِرِ  
 أَخَا وَ نَظِيرًا فِي الْعُلَى وَ الْأَوَاصِرِ  
 كَعَقْطَةِ عَنَزٍ أَوْ قُلَامَةِ حَافِرِ  
 كَعَرْضَةِ ضَلِيلٍ وَ نَهْبَةِ كَافِرِ  
 فَبُورِكَ مِنْ وَتَرٍ مُطَاعٍ وَ قَادِرِ  
 (همان: ۳۵)

□ علی رازی است سرپوشیده، و جوهری است که فضایلش از نور قدسی شکل گرفته است. / او را معجزه های آشکار است و کمترین آنها آگاهی اوست از اسراری که مردمان در دل نمانده اند. / علی وارث علم مصطفی و برادر اوست و همانند اوست در برتری مقام، و خویشاوند اوست. / به راستی که اگر تیغ او نبود و جهاد او در راه خدا نبود، اسلام را نه رونق بود و نه توان. چونان بینی افشاندن بزی یا گرفته‌ی ناخنی. / به راستی که اگر دانش او نمی بود،

یکتا پرستی از تعرض گمراهان در امان نمی ماند، بلکه دستخوش غارت کافران می گردید. همانا که تقدیر فرمانبردار قدرت اوست. خجسته باد علی را بی همتایی اش و فرمانروایی اش و قدرتمندی اش.»

ابن ابی الحدید در خصوص ولایت امام علی (ع) چنین می گوید:

وَقُلِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَى الْوَرَى  
نَصَابًا بِهِ نَطَقَ الْكِتَابُ الْمُنَزَّلُ

(همان: ۴۵)

«و بگو: سلام بر تو ای مولا و سرور جهانیان، ای که کتاب نازل شده الهی بر ولایت تو آشکارا تأکید نموده است.» این بیت به ذکر ولایت امام علی (ع) در قرآن اشاره می نماید. خداوند تبارک و تعالی می فرماید: (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ) (مائده/۵۵) «همانا منحصرأ ولی شما خداست و رسول او و کسانی که ایمان آورده اند، هم آنان که نماز به پا می دارند و زکات می دهند، درحالیکه در رکوع نمازند.»

در شواهد التنزیل، چهارده روایت ذکر شده که همگی بیانگر این است که مقصود از (الذین آمنوا) در این آیه، امام علی (ع) می باشد. (حسکانی؛ ۱۳۹۳: ۱/۱۶۱)

#### ۴. ترسیم فضایل امام علی (ع) در اشعار محمدحسین شهریار

محمدحسین شهریار، شاعر پارسی گوی ایران زمین، با سلاح شعر و قلم به دفاع از اهل بیت (ع) و خاندان پیامبر اکرم (ص) به خصوص امام علی (ع) پرداخته است. شعر شهریار، با زندگی وی درآمیخته و با عقایدش جان گرفته؛ بطوری که از عمق ضمیر او فوران می کند و عقیده‌ی استوار و اندیشه‌ی ناب او را آشکار می سازد.

شهریار در ابیات زیر امام علی (ع) را جلوه‌ی آشکار و آئینه‌ی تمام نما از جمال و جلال خداوند می داند که این جمال و زیبایی جاودانه است و تا ابد در سیمای مبارک امام علی (ع) هویداست؛ سپس در ابیات بعد شاعر، امام علی (ع) را مظهر و نشانه‌ی تمام عجائب و غرائب عالم می خواند، کسی که سوره‌ی «هل أتى» در شأن و فضیلت ایشان نازل شده است؛ اینک شهریار در ادامه، شعر خویش را به اوج شکوه و جبروت می رساند و مولای متقیان را فردی جوانمرد و شجاع توصیف می نماید که در خیبر، با دست مبارک ایشان گشوده شده است:

ای جلوه جلال و جمال خدا، علی  
وز هر چه جز خدا به جلالت جدا، علی  
در تو جمالی از ابدیت نموده‌اند  
ای آبیگینه ابدیت نما، علی  
با انبیا به سر و عنق نصرت قضاست  
یا مظهر العجايب یا مُرتضا علی  
فیاض در فضیلت تو گفته «هل اتى» لولاک در فتوت تو «لا فتى»، علی  
باز آن یهود، بسته در قلعه‌های قدس  
بگشا به دست و پنجه خیبر گشا، علی

(شهریار؛ ۱۳۸۴: ۲۸)

سپس شهریار در ادامه ابیات گویی رویه‌ی شعر خویش را تغییر می دهد و پس از وصف فضائل مولای متقیان، دست به دعا می گشاید و از امام (ع) می خواهد که با شمشیر ذوالفقار خویش، صف کفر و جنگ را درهم شکند تا بدین وسیله راه به سوی نجف و کربلا گشوده شود، سپس در ابیات بعدی امید شفاعت را از امام علی (ع) طلب می کند و خود را در این وادی فردی زمینگیر و بی دست و پا می خواند که منتظر نور دیده‌ی ایشان است:

اینک به مهد حضرت معصومه، شهر قم  
برداشته مُنادی ایمان ندا، علی  
با نایب امام زد آن فجر نقره فام  
خورشید گو به نقره فشانند طلا، علی  
صف بسته مسلمین پی جنگ و جهاد کفر  
بفرست ذوالفقار شرر بار، یا علی  
با این صف جهاد و به مفتاح دست غیب  
خود باز کن در نجف و کربلا علی



بفرست نور دیده که گرد سپاه اوست  
گل‌های قرن دُومِ اسلام بشکفد  
ما پیشواز مهدی موعودت آمدیم  
چشمم به سوی سر در دار الشفای توست  
از «شهریار» پیر زمین‌گیر دست‌گیر  
(همان: ۲۹)

در چشم مُبتلای رمد، توتیا علی  
با خون شاه‌دان و شهیدان ما، علی  
با وعده ظهور ولی کن وفا، علی  
شهد شفاعتی! که بیابم شفا علی  
ای دستگیر مردم بی‌دست و پا، علی

شهریار در جایی دیگر از دیوانش، بار دیگر ارادت و اخلاص خویش را به پیشگاه نخستین ولی شیعیان، امام علی (ع) را بر کف می‌گیرد و در ابیاتی متوالی به توصیف تعالی ولایت این شخصیت آسمانی می‌پردازد. شاعر شناخت زوایای مختلف شخصیتی آن بزرگوار را دروازه‌ی شناخت پروردگار می‌داند، آنگونه که صفات والای ایشان همواره در تمامی ادوار تاریخ و در تمامی ارکان زمانی، از ابد تا ازل، ملک بقا را پادشاهی می‌کند. شهریار لطف و رحمت امام علی (ع) در روز رستاخیز، را کلید آرامش می‌داند و در ادامه ی این قصیده ی پرشور، کرامت و بخشش آن بزرگوار را به تصویر می‌کشد و در این ابیات روایت گر بخش ارزشمندی از تاریخ کرامات اسلامی می‌گردد؛ چه آن زمان که مستحق را یاری می‌داد و چه آن زمان که برای قاتل خویش، از پسرانش لطف و مرحمت مسألت می‌داشت:

علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را  
دل اگر خدانشناسی همه در رخ علی بین  
به خدا که در دو عالم اثر از فنا نماند  
مگر ای سحاب رحمت تو بیاری ارنه دوزخ  
برو ای گدای مسکین در خانه‌ی علی زن  
بجز از علی که گوید به پسر که قاتل من  
(همان: ۷۶)

که به ماسوا فکندی همه سایه‌ی هما را  
به علی شناختم به خدا قسم خدا را  
چو علی گرفته باشد سر چشمه‌ی بقا را  
به شرار قهر سوزد همه جان ماسوا را  
که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را  
چو اسیر تست اکنون به اسیر کن مدارا

شهریار در ادامه، دیگر فضائل و محسنات اخلاقی امام علی (ع) را به طور کلی برمی‌شمرد. در آغاز با اشاره بر واقعه‌ی عاشورا، دلآوری‌ها و جانبازی‌های امام حسین (ع) در دشت کربلا، سعی بر نمایان ساختن عمق تفکر و معرفت آن امام همام دارد؛ چرا که تنها چنین آبر مردی می‌تواند پرورش دهنده‌ی چنین شخصیت والایی در نهان فرزندش باشد. استاد شهریار از سویی دیگر، پرده از دیگر ابعاد نهان شخصیتی ایشان بر می‌دارد و طی تفاسیر و تعبیری ناب، نمایی نو از دنیای باطنی آن حضرت را به عرصه‌ی ظهور می‌رساند که در این راه تنها عارفان و عاشقان حقیقی آن حضرت به ادراک صحیحی از این تعبیر، دست می‌یابند:

بجز از علی که آرد پسری ابوالعجائب  
چو به دوست عهد بندد ز میان پاکبازان  
نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت  
بدو چشم خون فشانم هله ای نسیم رحمت  
به امید آن که شاید برسد به خاک پایت  
چو تویی قضای گردان به دعای مستمندان  
چه زخم چونای هر دم ز نوای شوق او دم  
همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی  
ز نوای مرغ یا حق بشنو که در دل شب

که علم کند به عالم شهدای کربلا را  
چو علی که میتواند که بسر برد وفا را  
متحیرم چه نامم شه ملک لافستی را  
که ز کسوی او غباری به من آر توتیا را  
چه پیامها سپردم همه سوز دل صبا را  
که ز جان ما بگردان ره آفت قضا را  
که لسان غیب خوشتر بنوازد این نوا را  
به پیام آشنائی بنوازد و آشنانا را  
غم دل به دوست گفتن چه خوشست شهریارا

(همان : ۷۷)

محمدحسین شهریار یکی از نمایان عصر خود، در توصیف فضائی بی انتهای امام علی (ع) است که در جای جای کلام خویش به مدح و ستایش کرامات اخلاقی ایشان پرداخته است. شاعر، امیرالمؤمنان، علی بن ابی طالب را یکی از برجسته ترین و بارزترین نمادهای حقیقی اسلام می داند؛ چرا که معنای دین الهی را نه در کلام، بلکه در اعمال خاضعانه ی آن حضرت مشاهده می نماید. شاعر پس از برشمردن، شجاعت و شهامت آن حضرت در تشبیه ایشان به شیر، به خلوت امام علی (ع) شبانگهان گریز می زند، آن هنگام که بشر در خواب غفلت غوطه ور است، آن حضرت در مناجات و راز و نیاز با یگانه معبود خویش بود، گاه در اوج عبودیت پله های افلاک را بالاتر می پیمود و آن چنان مجذوب لذت عبادت می گردید که تا آن زمان که سپیده دم فرا می رسید، خواب بر چشمان ایشان نمی آمد. شاعر شب و مسجد کوفه را تنها همراهان امیرالمومنین به هنگام مناجات و نجوا معرفی می کند.

علی آن شیر خدا شاه عرب	الفتی داشتی داشته با این دل شب
شب ز اسرار علی آگاه است	دل شب محرم سر الله است
شب شفته ست مناجات علی	جوشش چشمه ی عشق ازلی
قلعه بانی که به قصر افلاک	سر دهد ناله ی زندانی خاک
اشکباری که چو شمع بیدار	می فشاند زر و می گزید زار
دردمندی که چو لب بگشاید	در و دیوار به زنده یار آید
کلماتی چو دُر آویزه ی گوش	مسجد کوفه هنوز مدهوش
فجر تا سینه ی آفاق شکافت	چشم بیدار علی خفته نیافت

(همان : ۱۲۸)

شاعر در قسمت دوم این قصیده ی ارزشمند، یتیم نوازی و یاری دادن محرومان را مبدأ قرار می دهد؛ آنگونه که در هنگامه ی شب، طعام را به صورت ناشناس و تاریکی کوچه های کوفه بر دوش می کشید تا شاید اندکی از غم یتیمان شهر بکاهد. غم و غصه ی مسکینان و یتیمان از بزرگ ترین دغدغه های این شاه مرد عرب بود. استاد شهریار در ادامه با هنرمندی هرچه تمام تر بابتی دیگر از این دنیای بسیط فضیلت می گشاید؛ آن هنگام که با علم بر خطراتی که حیات ایشان را تهدید می نمود، در شب لیلۃ المبیت به جای رسول خدا، حضرت محمد (ص) در بستر ایشان آرمید، تا که با ایثار خورش از پیامبر خدا در مقابل مشرکین حمایت و حفاظت نماید.

ناشناسی که به تاریکی شب	می برد شام یتیمان عرب
پادشاهی که به شب برقع پوش	می کشد بار گدایان بر دوش
تا نشد پردگی آن سر جلی	نشد افشا که علی بود علی
شاهبازی که به بال و پر راز	می کنند در ابدیت پرواز
عشقبازی که هم آغوش خطر	خُفت در خوابگاه پیغمبر

(همان: ۱۲۹)

استاد شهریار در بخش سوم از این قصیده، قلم و کلام خویش را در مسیر ترسیم و به تصویر کشیدن آخرین سحرگاه که امیرالمؤمنان به محراب عبادت رهسپار می شود، به اختیار می گیرد. ترسیم عزم و اراده مستحکم آن حضرت و خضوع و خشوع ایشان در مقابل اراده ی پروردگار جهانیان، مخاطب را به خود وا می دارد تا با خلوت در خویشتن با تأمل و اندیشه پردازد و در نهایت با رسیدن به این پرسش که «ها علی بشرٌ کیف بشرٌ» به ماهیت حقیقی آن حضرت پی ببرند:

آن دم صبح قیامت تا سیر / حلقه ی در شد از او دامن گیر



که علی بگذر و از ما مگذر  
زینب‌اش دست به دامن که مرو  
که کمر بند شهادت محکم  
می‌کنند قاتل خود را بیدار  
سر به محرراب عبادت منشق  
می‌کنند چشم اشکارت به اسیر  
تو خدایی مگر ای دشمن دوست  
جان عالم به فدای تو علی  
هَـا عَلَیِّ بِشَرِّ کَیْفَ بَشَر

دست در دامن مولا زد در  
شال شه و اشد و دامن به گرو  
شال می‌بست و ندایی مبهم  
پیشوایی که ز شوق دیدار  
ماه محرراب عبودیت حق  
می‌زند پس لب او کاسه‌ی شیر  
چه اسیری که همان قاتل اوست  
شبروان مست ولای تو علی  
در جهانی همه شور و همه شر  
(همان)

نمونه ابیات زیبای دیگر از دفتر شعر شهریار آشکار می‌شود که شاعر در این قصیده‌ی بسیار زیبا به بیان فضائل امام علی (ع) می‌پردازد. وی در این ابیات آن امام را یاریگر و دست گیر مستمندان می‌داند و خویش را فردی روسیاه توصیف می‌کند که همواره به شفاعت امام (ع) امیدوار است و چشم‌آمید را به درگاه مولای متقیان دوخته است:

دست گیر ای دستگیر مستمندان یا علی  
می‌جوم زنجیر زندان را به دندان یا علی  
تا بسانیدم میان پتک و سندان یا علی  
دشمنان چون استخوان کله خندان یا علی  
من نه یوسف لیک زندانم دو چندان یا علی  
ای درت دارالشرفای دردمندان یا علی

مستمندم بسته زنجیر و زندان یا علی  
بندی زندان روباهانم ای شیر خدا  
آهن تفتیده ام کز کوره آرندم برو  
دوستان گریان به گورستان و پیش چشمشان  
من نه ایوبم ولی صبرم به محنت پیش از اوست  
دردمندی روسیاهم با شفاعت مستحق  
(همان : ۵۴)

یکی دیگر از قصیده‌های بسیار زیبای شهریار در وصف کرامات حضرت علی (ع) می‌باشد که شاعر در این اشعار بسیار زیبا، آن بزرگوار را فردی جوانمرد و پهلوان و شجاع می‌خواند و توصیف می‌کند که در عدالت همچون ستونی محکم و استوار می‌باشد، کسی که با شمشیرش (ذوالفقار) ریشه‌ی هرگونه ظلم و بدی را از بنیان می‌افکند و از سوی دیگر بر درد مظلومان مرهم مهربانی و دوستی می‌نهد. از سوی دیگر شهریار در شاه‌بیتی بی‌نظیر آن امام همام را همچون کمانی به تصویر می‌کشد که از سوی پروردگار برای اجرای عدالت و احقاق حقوق مظلومان و گرفتن حق از ظالمان و دشمنان آمده است:

یلی زادی از مادر روزگار  
ستون‌امانی، چنان استوار  
مواضعظ، همان‌گونه آموزگار  
همان‌گونه با زخم، مرهم‌گذار  
به کف کریمش همان ذوالفقار  
کمان‌دار پیکان پروردگار  
برآوردی از جان دشمن دمار

چه بودی اگر هر زمان چون علی  
ترازوی عدلی، چنان مستقیم  
مکارم همان‌گونه آرام‌بخش  
همان‌گونه از ظلم، بنیان‌کن  
به مغز عظیمش همان عزم جزم  
همان‌گونه همچون قضا و قدر  
که برکندی از سینه‌ی دوست، دق

(همان: ۳۷)

یکی دیگر از قصیده‌های ناب و گیرایی که شهریار از خود به یادگار نهاده است، قصیده‌ای است که او در آن، مقام و جایگاه والای امام علی (ع) را می‌ستاید و ایشان را از نوابغ و برترین‌های عالم هستی می‌شمرد و از سوی دیگر

اذعان می دارد که این برتری بر کسی پوشیده نیست و هیچ کس جز علی (ع) نمی تواند چنین صفاتی را دارا باشد؛ زیرا آن بزرگوار عجیب ترین خلقت خداوند در همه اعصار می باشد.

اگر نوابغ عالم به فرض جمع کنی  
یکی شریک همه جوقه ها توانی یافت  
چنان که جوقه ی هر رشته هم جدا باشد  
چنان که برتریش نیز بر مـلا باشد  
به من بگوی که این فرد جمع و جامع کیست  
به جان دوست که او جز علی نخواهد بود  
(همان : ۷۱)

شهریار در مورد خلافت امام علی (ع) و واقعه ی غدیر اشعاری را به نظم کشیده است. در ابیات زیر شاعر در خلال مدحی زیبا به واقعه ی غدیر اشاره دارد؛ آن زمان که پیامبر (ص) دستان مبارک امام علی (ع) را می گیرد و امام (ع) نیز دستان پیامبر (ص) به دست حق و عدالت است می گیرد، تا بر همگان این بیعت آشکار شود:

هر که مرد از جهان مرا بیند  
می شناسم به اسم و رسم و عمل  
خواه اهل صلاح و خواه فساد  
هر کس از اهل رشد یا الحاد  
همه بر موقف صراط از من  
به تضرع کنند استمداد  
گویم این پای عهد من ایستاد  
گویم از وی به دار دست عناد  
جز به دست ولسی حق ننهاده  
اوست آن کس که دست بیعت را  
(همان : ۹۲)

سپس شهریار، در ابیات بعد به گونه ای بس زیبا، گویی گفتگوی رسول اکرم (ص) را در روز غدیر وصف می کند که ایشان بعد از خود، از مردم خواستند، امید شفاعت را از امام علی (ع) بطلبند؛ که در واقع بدین گونه پیامبر (ص) می خواستند ولایت امام علی (ع) امری آشکار گردد:

هر که حق شفاعت از من داشت  
هر که را سر به زیر رایت من  
هم به جلاب جام کوثر من  
مالکم تنقضون میثاقی  
آرمد در پناه رب عباده  
سرو نازیست از گزند آزاد  
می رود تاب تشنگیش از یاد  
ویلکم ربکم لبالمصراد  
(همان : ۹۳)

ارادت شهریار به پیشگاه ولایت امام علی (ع)، در میان همکیشان خویش در دوره ی معاصر زبانزد عام و خاص بوده و هست؛ اما آنچه که در میان آثارش در خصوص مدح و رثای امیرالمؤمنان آورده است، به نسبت اشعاری که در خصوص امر خلافت و ولایت آن حضرت آورده است، از نمود بارزتری برخوردار است؛ چنانچه در ابیات زیر پس از مدح ایشان به مسأله ی غدیر اشاره می نماید.

یا علی نام تو بردم نه غمی ماند و نه همی  
گویا هیچ نه همی به دلم بوده، نه غمی  
تو که از مرگ و حیات، این همه فخری و مباهات  
گویی آن دزد شقی تیغ نیالوده به سمی  
گویی آن فاجعه ی دشت بلا هیچ نبوده است  
سینه ی هیچ شهیدی نخراشیده به سمی  
حق اگر جلوه ی با وجه اتم کرده در انسان  
بأبیان توائمی  
بأبیان توائمی  
علیایق بله حاجات  
بأبیان توائمی  
در این غمگشودهاست  
بأبیان توائمی  
کانه سهلا ستونها سان

به خود حق که تو آن جلوه ی با وجه اُتَمّی      بَابِیَانِ—تَوَآمِّی  
(همان: ۳۸)

محمدحسین شهریار در ادامه منکران ولایت و خلافت و جانشینی امام علی (ع) که از سویی شاید آیه ی تنزیل و مسأله ی غدیر نیز بوده اند را کور و کر می خواند؛ چرا که آن ها جانشینی آن حضرت را در محله ی غدیرخم از رسول خویش شنیده و دیده بودند؛ اما جهالت، بینایی و شنوایی را از آنان گرفته و این قبیله را در مسیر تاریک ضلالت و نادانی، رها نموده بود:

منکر عید غدیر خم و آن خطبه و تنزیل      کروکورا—توعزازیل  
با کر و کور چه عیدی و چه غدیری و چه خُمّی      بَابِیَانِ—تَوَآمِّی  
در تولا هم اگر سهو ولایت اچه سفاقت      اُفْبِرَایَنشَ—مَفْقَاهَت  
بی ولای علی و آل، چه فقهی و چه شمّی!      بَابِیَانِ—تَوَآمِّی  
(همان)

شاعر در ادامه به فلسفه ی وجودی آن حضرت می پردازد و ایشان را در دریافت هدف از خلقت آدمی جستجو می کند و جهالت و نادانی اعراب را به تصویر می کشد. استاد شهریار، شجاعت، کرامت و فضایل امام علی (ع) را گام به گام نمایان تر می سازد. و در مهر به ولای آن حضرت به اوج اخلاص و ارادت دست می یابد.

تو کم و کیف جهانی و به کمبود تو دنیا      از تُکری تا به تُریری  
شر و شور است و دگر هیچ نه کیفی و نه کمی      بَابِیَانِ—تَوَآمِّی  
آدمی جامع جمعیت و موجود اُتَمّ است      گربهم—عنایاً—عَمَّاسَت  
تو بهین مظهر انسان و به معنا ی اعمّی      بَابِیَانِ—تَوَآمِّی  
چون بود آدم کامل غرض از خلقت آدم      پسب—هذری—هعالم  
جز شما مهد نبوت نبود چیز مهمی      بَابِیَانِ—تَوَآمِّی  
عاشق توست که مستوجب مدح است و معظّم      منکر—تمست—حقّدم  
وز تو بیگانه نیرزد نه به مدحی و نه ذمّی      بَابِیَانِ—تَوَآمِّی  
بی تو ای شیر خدا سبّحه و دستار مسلمان      شد—هبازی—چه—هیشیطان  
این چه بوزینه که سرها همه را بسته به ذمّی      بَابِیَانِ—تَوَآمِّی  
لشکر کفر اگر موج زند در همه دنیا      هم—هطوف—فانهم—هدریا  
چه کند با تو که چون صخره ی صمّا      بَابِیَانِ—تَوَآمِّی  
یا علی خواهمت آن شـعـشـعـه ی تیغ زرافشان      همب—دوکفر—سرافشان  
بایدم این کمعان دیده، ندانم به چه لَمّی      بَابِیَانِ—تَوَآمِّی  
(همان: ۳۹)

با بررسی اشعار محمدحسین شهریار، در خصوص بیان مسأله ی غدیر، می توان به این نکته واضح و روشن دست یافت که شهریار پیش از آنکه مقصود مورد نظر را طلب کند، به بیان مداخل و فضایل آن بزرگوار می پردازد و در خلال آن به امر خلافت و مسأله ی غدیر اشاره می نماید.

#### نتیجه

آن هنگام که در مقام قیاس اشعاری در خصوص ترسیم فضایل امام علی (ع) از جانب ابن ابی الحدید و محمدحسین شهریار قرار می گیریم، می توانیم به این نکات پی ببریم:

- در نگرشی کلی و اجمالی می توان صراحتاً اعلام نمود که محمدحسین شهریار بسیار بیشتر از ابن ابی الحدید به ترسیم فضایل امام علی (ع) پرداخته و این مسأله، مطرح کننده‌ی وسعت و تعددِ مدایح شهریار در خصوص سیمای درخشان مولای متقیان، امام علی (ع) است.
- مسأله غدیر در اشعار شهریار، بیشتر و واضح تر بیان شده است.
- شهریار در بسیاری از ابیاتش توسل به آن حضرت را در میان مدایحش جای داده است؛ اما در اشعار ابن ابی الحدید کمتر نشانی از توسل و دعا از محضر ایشان دیده می شود.
- دو شاعر در خصوص فضایل امام علی (ع) بیشتر به مواردی چون؛ شجاعت، ایثار، کرامت، شفاعت، و علم و دانش آن بزرگوار اشاره کرده اند.

### فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، قم، نشر فاطمه الزهراء، ۱۳۷۸ ش.
۲. ابن ابی الحدید، عبدالحمید؛ شرح نهج البلاغه، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، دار احیاء الکتب العربی، ۱۳۸۵ ق.
۳. ابن خلکان، شمس الدین احمد بن محمد؛ وفيات الأعیان و أنباء أبناء الزمان، قاهره، مکتبه النهضة المصریة، ۱۹۸۶ م.
۴. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر؛ البدایة و النهایة، بیروت، دارالفکر، ۱۹۶۶ م.
۵. اسد علیزاده، اکبر؛ فضائل امام علی (ع)، قم، مؤسسه انتشارات امام صادق (ع)، ۱۳۸۱ ش.
۶. اسماعیلی، امیر؛ محمدحسین شهریار، تبریز، مؤسسه قصه پردازان، ۱۳۸۸ ش.
۷. امینی، بابا؛ استاد شهریار (سیر و سلوک)، تهران، انتشارات نسیم حیات، ۱۳۸۴ ش.
۸. پیرمحمدی، ناصر؛ آخرین سلطان عشق، تهران، دار النشر الإسلامی، ۱۳۹۰ ش.
۹. حسکانی، عبیدالله بن عبدالله؛ شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تهران، مجمع احیای فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۳ ق.
۱۰. زاهدی، لطف الله؛ بیوگرافی استاد شهریار، تهران، انتشارات نگاه، ۱۳۳۷ ش.
۱۱. شهریار، محمد حسین؛ دیوان شهریار، تهران، نشر نگاه، ۱۳۸۴ ش.
۱۲. صفدی، خلیل بن أبیک؛ الوافی بالوفیات، بیروت، دارالنشر فرانز شتاینر، ۱۹۷۴ م.
۱۳. علیزاده، جمشید؛ گفتگوها (محمد حسین شهریار)، تهران، مؤسسه انتشارات نگاه، ۱۳۸۰ ش.
۱۴. فتحی، نصرالله؛ یادى از حیدر بابا، تبریز، انتشارات فخر آذر، ۱۳۷۶ ش.
۱۵. کاویانپور، احمد؛ زندگانی ادبی و اجتماعی استاد شهریار، تهران، انتشارات اقبال، ۱۳۷۹ ش.
۱۶. کتبی، محمد بن شاکر؛ فوات الوفيات، بیروت، دارالصادر، ۱۹۷۴ م.